



۲۰۱۶/۱۰/۰۴

م. نسیم اسیر

ملک الشعراى افغان ها در هجرت

ماجرای حکمتیار!

جناب محترم «حمید انوری» که درد ها و رنج های پایان ناپذیر وطن را دقیقاً ارزیابی و بررسی می فرمایند، در نوشته اخیر خود موضوع مصالحه با گلبدین را با سوابق ناهنجاری که از او و حزبش در برابر مجاهدین و مردم بیگناه کابل سر زده است، قضاوت عادلانه فرموده و امتیازاتی را که «کلب الدین» در اثر این توافقنامه صلح بدست خواهد آورد بیرون از عدالت می داند.

برای من هم تعجب آور است، قاتلی که در برابر عدالت خداوندی جوابگو بوده و از کشتار بی رحمانه مردم کابل باید به جزای مرگ محکوم گردد امروز با مصونیت، با اعزاز و اکرام و تعیین امتیازات بالاتر از استحقاق دوباره در صحنه سیاست افغانستان داخل و بر اریکه قدرت تکیه خواهد زد.

منظومه ای دارم که در جریان راکت پرانی های این قصاب، سروده شده است و اینک از نظر تان می گذرانم:

ای خدا! بده پایان ماجرای حکمتیار
چیست ای مسلمانان مدعای حکمتیار
تا نشست در کابل، نقش پای حکمتیار
کرده قتل خاص و عام پنجه های حکمتیار
بس عجیب می یابم ادعای حکمتیار
بی اساس و بنیاد ست این صدای حکمتیار
ابتدای "حکمتیار"، انتهای حکمتیار
قهر و فتنه می بارد از ندای حکمتیار
با دروغ پی درپی، وعده های حکمتیار
کفر خیز می بینم این جفای حکمتیار
صدهزار دشنام است در دعای حکمتیار

مانده ملت افغان، در بلای حکمتیار
این همه دغلبازی، خود سری و غمازی
نقش صلح و آرامش، رخت بسته از کشور
همچو گرگ خون آشام، از دم سحر تا شام
با تخیل موهوم، با تصور باطل
قصد قتل و کشتارش، یا خیال آزارش
با تلون خاطر، بی ثبات و لرزان است
زخم کین ذوالجوشن در نهاد او روشن
ائتلاف می گوید، انشعاب می جوید
در وفای جانبازان، در صداقت یاران
باورم نمی آید، گر به کعبه سر ماند

با چنین سیه رویی، با چنان تبهکاری
برخود و جهان خود سخت ناروایی هاست
گشته جامه سالوس زیب قامتش افسوس
مار آستین باشد، غرق کفر و کین باشد
بس گناه و عصیان کرد، دشمنی به انسان کرد
کس بدوش کی گیرد خون بهای حکمتیار
تکیه بر سخن های ناروای حکمتیار
سر برون کند جاسوس از ردای حکمتیار
کفر و کین تماشا کن در ریای حکمتیار
شهر و قریه ویران کرد وای وای حکمتیار

گفت «اسیر» این مطلب در دعای نیم شب

ای خدا رهایی بخش از بلای حکمتیار

م. نسیم «اسیر» ۳۰ مارچ ۹۷م، بُن المان

